مجلهٔ زبانشناسی

نقد و معرفی کتاب

سال پانزدهم، شمارهٔ دوم
پاییز و زمستان ۱۳۷۹

پیاپی ۳۰

۱۲۰ صفحه

۵۰۰ تومان

چند شعر به زبان کرجی، تبریزی و غیره

علی‌اشرف صادقی

چندی پیش کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی مجموعهٔ بسیار نفیسی را که مشتمل بر حدود ۲۰۰ رسالهٔ کوچک و بزرگ است خریداری کرد. این مجموعه در نیمهٔ اول قرن هشتم در آذربایجان نوشته شده است. در آخر نسخه‌ای از لغت‌فرس اسدی که در ورقهای ۳۰۷ الف تا ۳۱۲ ب آمده تاریخ ۷۲۱ با عبارت زیر دیده می‌شود: «... ضحوه یوم احد ۲۲ جمادی‌الاخره ۷۲۱ بمقام سهند یدعی بالفارسیه ابرود بسر والشمس اذ ذاک فی اول برج‌الاسد» و آخرین تاریخی که در مجموعه آمده ۷۳۶ است. کاتب مجموعه شخصی به‌نام محمدبن‌مسعودبن‌مظفر است. بعضی از رساله‌های مجموعه عبارت‌اند از: کتب نهج بهمن فی اصول الفقه، کتاب امتحان سامی فی علم‌اللغه، کتب منظوم فی‌العروض‌والقوافی از ابن‌حاجب، مناظرهٔ سرود و آب از نظام‌الدین اصفهانی، چند مناظره دیگر و غیره. بسیاری از رساله‌های این مجموعه از شخصی است به‌نام امین‌الملة والدین ابوالقاسم‌الحاج بله. این شخص مطابق آنچه در ورق ۳۴۰ ب آمده در سال ۷۲۰ در دمشق درگذشته است. از جمله رساله‌های کوتاه مجموعه که از ورق ۳۴۰ ب به بعد آمده رساله‌ای است به‌نام کتاب فی‌طریق‌الآخره که از همین حاج بله است. در این رساله مقداری شعر به لهجه‌های محلی غرب ایران آمده است. از این اشعار پنج بیت دارای عنوان **اورامنان** و سه بیت دارای عنوان **شرویان**، دو بیت به زبان کرجی و چهار بیت به زبان تبریزی است.

نگارنده در جای دیگر سه بیت شرویان را نقل کرده و دربارهٔ آنها و در باب کلمهٔ اورامنان به تفصیل بحث کرده است[1]. در اینجا به نقل بقیهٔ اشعار و توضیحی مختصر می‌پردازد.

۱. رک. یادنامهٔ دکتر احمد تفضلی (زیر چاپ).

زبان کرجی

کهن اره مرره بوبکشس کنجی برسی   سیای کسحی دسشو کهان اره مولنلکا
۲ علام کحسرو می که سکش اسسه نکه   احسسی مسبه سورت بهی نبش کالاره‌وا

زبان سربری

دچان چوچرخ سکوبیت مو امر رهشه مهر[2] دورش
چوش دَ کاوده شکوسه ولول ودارد سرسوه
۴ مری معهر اوه مسر دون حو یور رون و هسرمسد
پروکری اسروسون مسسی که ان همرسوه
اکبر سحت ورامروکی چرح هاسرموسی
ززور مسشی چو سحت اهون فدرسوه
۶ به حرح اسسه سوسی به روزو ورو فوسی
زوم چو داش حلنسوه زمم حو سورصی رسوه

اورامان

مله چه سوری بوبه درواسی   وررده کو ربج دشوار راهان

اورامان

۸ بچوبان بحربی مسده اهرو	اح وَل ربک و اح و ابوشه بو
مر نکرمه چوبان در و دشت	به او شله وری به حوردمی شو

اورامان

۱ سمدم والوا ما دل برسحیر	دمهراح ساره‌ان‌سهررت اح وسر
ربک واری بادان ش شناسسب	مرر اوی مررواس هسر اوی همر

توصحات

ر زبان کرجی در اسحا منظور کرج ابودلف است که امروز به آسانه سهرب دارد و در ۳۶ کیلومتری حنوب اراک قرار گرفته است. بیت دوم اس اشعار با صنعتی متفاوت در سلسه‌الاحوال عطملک

۱ م سر خوانده می‌سود
۲ ص مسی

خویی (ص ۴۷) نیز آمده و زبان آن پهلوی دانسته شده است. در این کتاب این شعر به کافی ظفر کرجی نسبت داده شده است. حمدالله مستوفی (۹-۱۳۳۶: ۷۴۶) در شرح حال کرجی می‌نویسد: «... ابوالفرج احمدبن‌محمد مداح مجدالدین علاءالدولهٔ همدانی بود به اول عرب معول درگذشت. به زبان کرجی اشعار خوب دارد.» مستوفی سپس شش بیت از اشعار او را به زبان کرجی نقل می‌کند (مستوفی، ۷۴۷). ضبط سلینةالاحوان از بیت مورد بحث چنین است:

علام کیخسرو می که نکش اندیشه نکا ... ازی میانه نورت سحرمتش[1] کاله ور[2]

از عبارت خویی که می‌نویسد «وکافی ظفر کرجی به زبان پهلوی خوش گوید» برمی‌آید که و معنی این شعر را کاملاً درمی‌یافته که به آن استناد کرده است. بنابراین ضبط او نسبت به ضبط مآخذ ما ارجح به‌نظر می‌رسد. این نکته را وزن مصراع دوم که در ضبط خویی با وزن مصراع اول یکسان است نیز تأیید می‌کند. در بیت اول کهان به‌معنی «جهان» است، اما معنی و ضبط کلمات آن مبهم، مکشف معلوم نیست. کیجی به احتمال قریب به یقین تصحیف کیجی به‌معنی «کسی» است. در مصراع دوم کلمهٔ زه تکرارشده و معنی ملکا نیز معلوم نیست. معنی بیت «جهان ... باشد به کسی نرسی ـ به پای کسی در نشو، جهان ... باشد.» معنی مصراع اول بیت دوم روشن و بدین شرح است: «علام کیخسرو هستم که اندیشهٔ نیک کرد.» صورت دیگر نکا در خویی نکه است و ظاهراً او این کلمه را به تلفظ رایج در پیرامون خود درآورده است. نکته با ... سوم شخص ماضی سادهٔ فعل کردن است. معنی و ضبط کلمات مصراع دوم بیت دوم متأسفانه روشن نیست.

معنی ابیات نیز متأسفانه به‌کلی نامعلوم است و تنها بعضی از کلمات آنها را می‌توان تشخیص داد.

در بیت هفتم نله ظاهرا اشاره به‌نام مؤلف رساله، خاج‌لّه است. اگر این حدس درست باشد این شعر از خود او است. سوری ظاهراً به معنی «سودی» است. انو احتمالاً همان کلمهٔ فارسی میانهٔ anōh به‌معنی «آنجا» است. اگر وانی را تصحیف یا تبدیل مانی بدانیم و معنی پیشنهادی سایر کلمات درست باشد معنی مصراع چنین است: «تله چه سودی که تو آنجا درمانی؟» سایر کلمات مصراع دوم بجز کلمه دشوار مشخص نیست. در بیت هشتم احتمالاً کلمه منده مبدل است. اما ضبط و معنی سایر کلمات روشن نیست. در مصراع دوم وانوشه به معنی «نفشه» و معنی مصراع چنین است: «از گل رنگ و از نفشه بو.»

1. در نسخه دیگر کتاب: نگرمتش، نگرمیتش، نگرمنس
2. در نسخه دیگر ودا

در مصراع اول بیت نهم «ترحهرا» مبدل «سب» (= س + ب) است. بیت‌های بعد از مصوت در زبان پهلوی آذربایجانی به «ز» بدل می‌شده است. اما تکیه در همان‌جا به دشواری می‌تواند همان تکردهٔ فارسی باشد. بیان همان کلمهٔ «جان» و معنی «در و دشت» نیز روشن است. اما ضبط و معنی واژه‌های مصراع دوم روشن نیست. در بیت دهم ظاهراً آخرین حرف قافیه «را» است، اما در مصراع چهارم کلمهٔ قافیه به شکل «هر» ضبط شده که باید غلط باشد. معنی این دو بیت به هیچ وجه روشن نیست و تنها بعضی کلمات آن قابل‌تشخیص است («مهر» در مصراع دوم بیت دهم یعنی «در مهر») و معنی مصراع آخر ظاهراً چنین است «مرز نمی‌ورزیدیم نمی ...»

کتابنامه

خوبی، عطاملک، ۱۳۶۱. تسلیة الاخوان. به کوشش عباس ماهیار. تهران: گروه انتشاراتی آباد.

مستوفی، حمدالله، ۱۳۳۶-۹. تاریخ گزیده. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.